



دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه علوم تربیتی
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
روانشناسی تربیتی

عنوان:

بررسی رابطه سبک های فرزندپروری و جهت گیری هدف با
اضطراب ریاضی دانش آموزان پایه ششم شهر ارومیه سال
تحصیلی ۹۲-۹۳

استاد راهنما:

دکتر فیروزه سپهریان آذر

اساتید داور:

دکتر علیرضا حیسن پور

دکتر علی عیسی زادگان

تنظیم و نگارش:

عبدالله بابایی

تیر ماه ۹۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم بر:

تقدیم به خالق بی همتایم گر چه نیک میدانم که علم حقیرم در مقابل علم لایزالش نسیمی است که خواب هیچ برگی را نمی آشوبد.

تقدیم به سرمایه های زندگی ام ؛

پدر عزیز و مادر دلسوزم

و تقدیم به ، **همسرفداکار و فرزندان عزیزم** که پیمانۀ عمرم لبریز از صفا و صمیمیت و مهربانی آنهاست.

تقدیر و تشکر

خداوند منان را شاکرم که به من توفیق تحصیل علم و معرفت ارزانی بخشیده و همواره در این راه مرا مورد لطف و مرحمت خویش قرار داده است.

در ادامه از استاد بزرگوار **سرکار خانم دکتر فیروزه سپریان آذر** به پاس زحمات دلسوزانه شان در طول این دوره و همچنین صبر و حوصله ، دقت و راهنمایی های ارزشمندشان در تمام مراحل نگارش این پایان نامه صمیمانه سپاسگزارم و با کمال تواضع و فروتنی همیشه خود را مدیون ایشان می دانم.

همچنین از سایر اساتید بزرگوار و داوران محترم آقایان **دکتر صبی زاهدگان و دکتر حسین پور** که افتخار تلمذ در محضر این بزرگواران را در طول این دوره داشتم ، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

همچنین جا دارد از سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی و مدیریت نواحی ۱ و ۲ آموزش و پرورش ارومیه ، کلیه مدارس ، معلمان و دانش آموزانی که در اجرای این پژوهش با بنده همکاری نمودند، تشکر و قدردانی نمایم.

چکیده

تحقیق حاضر پیرامون بررسی رابطه بین سبک های فرزندپروری و جهت گیری هدف، با اضطراب ریاضی دانش آموزان پایه ششم شهر ارومیه صورت گرفت. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش آموزان پایه ششم شهر ارومیه تشکیل می دهد. حجم نمونه بر اساس جدول پیشنهادی مورگان ۳۸۰ نفر برآورد شد. سپس پرسشنامه های اضطراب ریاضی و جهت گیری هدف در بین دانش آموزان توزیع گردید و پرسشنامه های مربوط به سبک های فرزندپروری را نیز والدین این دانش آموزان تکمیل کردند. سپس داده ها با روش مدل معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج بررسی با مدل معادلات ساختاری نشان داد که اثر مستقیم اهداف تبحری بر اضطراب ریاضی به صورت منفی و معنا دار است و اثر مستقیم اهداف رویکرد-عملکرد نیز بر اضطراب ریاضی به صورت مثبت و معنا دار است. اما اثر مستقیم سبک فرزند پروری استبدادی بر اضطراب ریاضی معنا دار نبود. اثر غیر مستقیم سبک اقتدار منطقی نیز به واسطه اهداف تبحری بر اضطراب ریاضی به صورت منفی و معنا دار بود که نقش واسطه ای متغیر اهداف تبحری تأیید می شود. اثرات غیر مستقیم سبک های استبدادی و آزاد گذاری نیز به واسطه هدف رویکردی-عملکردی بر اضطراب ریاضی، مثبت و معنا دار بود و نقش واسطه ای اهداف رویکردی-عملکردی نیز در این رابطه تأیید می شود. در بررسی اثرات کل متغیر های سبک های فرزندپروری و جهت گیری هدف بر اضطراب ریاضی می توان گفت که در بین سبک های فرزندپروری، سبک اقتدار منطقی بیشترین تأثیر را بر اضطراب ریاضی دارد و در بین جهت گیری هدف، اهداف رویکردی-عملکردی بیشترین تأثیر را بر اضطراب ریاضی دارند.

کلمات کلیدی: اضطراب ریاضی، اهداف تبحری، اهداف عملکردی

«فهرست مطالب»

عنوان صفحه

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱-مقدمه.....	۲
۲-۱- بیان مسئله.....	۴
۳-۱- اهمیت و ضرورت پژوهش.....	۱۱
۴-۱-اهداف پژوهش.....	۱۴
۵-۱-متغیرهای پژوهش.....	۱۵
۶-۱-فرضیه های پژوهش.....	۱۵
۷-۱-تعاریف مفهومی متغیرها.....	۱۶
۸-۱- تعاریف عملیاتی متغیرها.....	۱۶

فصل دوم: ادبیات و پیشینه تحقیق

۱-۲- مقدمه.....	۱۸
۲-۲- اضطراب.....	۱۸
۱-۲-۲- دیدگاه های نظری در باره اضطراب.....	۱۹
۱-۲-۲-۱- دیدگاه روان تحلیل گران.....	۱۹
۲-۲-۱-۲- دیدگاه رفتاری.....	۲۰
۳-۲-۱-۲- دیدگاه شناختی.....	۲۱
۴-۲-۱-۲- دیدگاه زیست شناختی.....	۲۲
۲-۲-۲- سطوح اضطراب.....	۲۳
۳-۲-۲- علایم و نشانه های اضطراب.....	۲۴
۳-۲-۳- اضطراب ریاضی.....	۲۴
۱-۳-۲- تعریف اضطراب ریاضی.....	۲۸

۲۹	۲-۳-۲- ابعاد اضطراب ریاضی
۳۰	۳-۳-۲- اثر محیط و معلم بر اضطراب ریاضی
۳۵	۴-۲- جهت گیری هدف
۴۳	۵-۲- سبکهای فرزندپروری
۴۵	۱-۵-۲- ابعاد شیوه های فرزندپروری
۴۵	۲-۵-۱-۱- سبک فرزندپروری مقتدرانه
۴۶	۲-۵-۱-۲- سبک فرزندپروری سهل گیر
۴۶	۲-۵-۱-۳- سبک فرزندپروری استبدادی
۵۲	۲-۶- پژوهش های مربوط به موضوع پژوهش
۵۶	۲-۷- جمع بندی و نتیجه گیری

فصل سوم: روشهای تحقیق و جمع آوری اطلاعات

۵۸	۳-۱- مقدمه
۵۸	۳-۲- روش پژوهش
۵۸	۳-۳- جامعه آماری
۵۸	۳-۴- روش نمونه گیری
۵۸	۳-۵- ابزار اندازه گیری
۵۹	۳-۵-۱- مقیاس اضطراب ریاضی
۶۲	۳-۵-۲- پرسشنامه اهداف پیشرفت
۶۵	۳-۵-۳- پرسشنامه شیوه های فرزندپروری
۶۷	۳-۶- روش تجزیه و تحلیل دادهها
۶۸	۳-۷- روش اجرا

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش

۷۰	۴-۱- مقدمه
۷۱	۴-۳- آزمون الگوی نظری و فرضیه های پژوهش
۷۲	۴-۴- آزمون مدل نظری پژوهش حاضر
۷۳	۴-۵- اثرات مستقیم

۷۵.....۴-۶- اثرات غیر مستقیم.....

۷۶.....۴-۷- اثرات کل.....

۷۶.....۴-۸- مقایسه اثرات مستقیم، غیر مستقیم، کل و میزان واریانس تبیین شده ی متغیرها.....

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۸۲.....۵-۱- مقدمه.....

۹۱.....۲-۵- محدودیت های تحقیق.....

۹۱.....۵-۳- پیشنهادهای کاربردی.....

۹۱.....۵-۴- پیشنهاد برای تحقیقات آتی.....

۹۳.....منابع فارسی.....

۱۰۱.....منابع انگلیسی.....

فهرست اشکال و جداول

- شکل ۱-۱- مدل مفهومی پژوهش ۱۱
- جدول ۱-۳: شاخص های پایایی مقیاس اضطراب ریاضی ۵۸
- جدول ۲-۳: مشخصه های نکویی برازش مقیاس اضطراب ریاضی ۵۹
- جدول ۳-۳: بارهای عاملی و واریانس مشترک برآورد شده سوالات مقیاس اضطراب ریاضی ۶۱
- جدول ۴-۳: تعداد و شماره سوالات مولفه های اهداف پیشرفت ۶۲
- جدول ۵-۳: شاخص های پایایی پرسشنامه اهداف پیشرفت ۶۲
- جدول ۶-۳: مشخصه های نکویی برازش پرسشنامه اهداف پیشرفت ۶۳
- جدول ۷-۳: بارهای عاملی و واریانس مشترک برآورد شده سوالات پرسشنامه اهداف پیشرفت ۶۳
- جدول ۸-۳: تعداد و شماره سوالات پرسشنامه شیوه های فرزندپروری ۶۴
- جدول ۹-۳: شاخص های پایایی پرسشنامه شیوه های فرزندپروری ۶۵
- جدول ۱۰-۳: مشخصه های نکویی برازش پرسشنامه شیوه های فرزندپروری ۶۵
- جدول ۱۱-۳: بارهای عاملی و واریانس مشترک برآورد شده سوالات پرسشنامه شیوه های فرزندپروری ۶۶
- جدول ۱-۴: شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش ($n=380$) ۶۹
- جدول ۲-۴: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش ۷۰
- شکل ۱-۴: مدل آزمون شده تحقیق ۷۳
- جدول ۳-۴: برآورد ضرایب اثرات مستقیم ۷۳
- جدول ۴-۴: برآورد ضرایب اثرات غیر مستقیم ۷۴
- جدول ۵-۴: برآورد ضرایب اثرات کل ۷۵
- جدول ۶-۴: ضرایب استاندارد شده اثرات مستقیم، غیر مستقیم و اثرات کل و واریانس تبیین شده متغیرها ۷۶
- جدول ۷-۴: شاخص های برازش کلی مدل آزمون شده پژوهش حاضر ۷۷
- جدول ۸-۴: بررسی فرضیه های تحقیق ۷۷

فصل اول

کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه

اضطراب به منزله بخشی از زندگی انسان در همه افراد در حد اعتدال وجود دارد و در این حد به عنوان پاسخی سازش یافته قلمداد می شود، اما در شکل مرضی آن به منزله شکست، سازش نایافتگی و استیصال گسترده تلقی میشود که فرد را از بخش عمده ای از امکاناتش محروم می کند (دادستان، ۱۳۷۶). اضطراب احساس ناراحتی مبهم توأم با دلهره است که در پاسخ به تحریکات داخلی و خارجی ایجاد شده و به علایم شناختی، عاطفی، فیزیکی و رفتاری منجر می گردد (بوید^۱، ۲۰۰۲).

محققان دو نوع اضطراب را از هم تفکیک کرده اند: اضطراب صفت و اضطراب حالت. اضطراب صفت جزئی از شخصیت فرد است که در یک دوره زمانی طولانی وجود دارد و با مشاهده حالت های فیزیولوژیکی، هیجانی و رفتارهای شناختی در فرد اندازه گیری می شود. این نوع اضطراب موجب می شود تا فرد دامنه گسترده ای از شرایط غیر خطرناک را تهدیدزا و یا خطرناک درک کند. اضطراب حالت و موقعیتی نیز در نتیجه یک موقعیت استرس زا در فردی که کنترل هیجانانش کاهش یافته است بروز می کند و اشاره به تجارب ناپایدار و موقت تنیدگی، هراس و برانگیختگی شدید دستگاه عصبی خودمختار در یک بافت و شرایط ویژه دارد. در هر یک از این مراحل فرد تغییراتی را در رفتار و توانایی های شناختی و عاطفی از خود نشان می دهد (شیوس و اسحاق^۲، ۲۰۰۷؛ وانگ و شینگ^۳، ۲۰۰۹).

از جمله انواع شناخته شده اضطراب موقعیتی^۴ در حیطه تعلیم و تربیت، اضطراب ریاضی^۵ است، متخصصان آموزشی دریافتند که فراگیران در برخورد با مسائل یادگیری دچار هیجانانی می شوند که این هیجانانامخصوصا اگر زیاد باشد بر عملکرد تحصیلی فرد اثر می گذارد. هر چند اینگونه هیجانانام که به اضطراب معروف شده اند در حوزه های متفاوتی قابل شناسایی است، ولی به لحاظ اینکه ریاضیات از دشواری بیشتری نسبت به

¹ - Boyd

² -Shives & Isaacs

³ -Wang & Xing

⁴ -state anxiety

⁵ -Mathematics anxiety

سایر دروس برخوردار است، اضطراب ریاضی نیز از جایگاه ویژه ای برای بحث و مطالعه برخوردار می باشد (کبیری، ۱۳۸۲؛ به نقل از محمودی، ۱۳۹۱).

پری (به نقل از فوسان^۱، ۲۰۰۷) اضطراب ریاضی را عدم توانایی شخص برای کنار آمدن با موقعیت های کمی، شامل موقعیت هایی که با اعداد و ارقام سروکار دارند در شرایط کلی با ریاضیات تعریف کرده است.

تحقیقات جین و داوسون^۲ (۲۰۰۹) نشان می دهند دانش آموزانی که از اضطراب ریاضی رنج می برند، عوامل انگیزشی و عاطفی شناخته شده ای دارند که می توان از آنها به عنوان عوامل پیش بینی کننده اضطراب ریاضی استفاده کرد.

یکی از موضوعات مهم در حوزه انگیزش و یاد گیری بررسی نقش اهداف پیشرفت یا جهت گیری اهداف است. به طور کلی نظریه های هدف گرایی به این دلیل به وجود آمده اند که رفتار پیشرفت را به خصوص در محیط های آموزشی و در زمینه یادگیری و نیز عملکرد فراگیران در انجام تکالیف تحصیلی تبیین کنند.

نظریه جهت گیری هدف به این موضوع می پردازد که چرا افراد هدف خاصی را بر می گزینند، چگونه به هدف مورد نظر نزدیک شده و به تکلیف مرتبط به آن می پردازند. جهت گیری هدف^۳ بیانگر الگوی منسجمی از باورهای فرد است تا به روش های مختلف به موقعیت ها گرایش پیدا کند و در آن زمینه به فعالیت پردازد و در نهایت پاسخی را ارائه دهد (ایمز^۴، ۱۹۹۲).

از آنجا که اهداف پیشرفت متفاوت در محیط های آموزشی منجر به نتایج مثبت و منفی متفاوتی می شوند پی بردن به عوامل تاثیر گذار و پیشایندهای این اهداف بسیار با اهمیت است (پینتریچ و شانک^۵، ۲۰۰۲؛ چرچ، الیوت و گابل^۶، ۲۰۰۱). بررسی و مطالعه خانواده به

¹ -Fuson

² Jain & Dowson

³ -Goal setting

⁴ - Ames

⁵ -Pintrich & Schunk

⁶ -Church, Elliot & Gabel

عنوان عمده ترین نهاد اجتماعی و اولین نظام موثر بر رشد و تحول کودکان و نوجوانان از دیر باز مورد کنکاش محققان بوده است (سامانی و زارع، ۱۳۸۷).

گرولنیک^۱ (۲۰۰۹) بر این باور است که والدین به عنوان اولین عامل اجتماعی کردن کودکان نقش مهمی در ارضای نیازهای روانی کودکان داشته و انگیزش تحصیلی دانش آموزان را تسهیل می کنند.

شیوه های فرزند پروری یک عامل تعیین کننده و اثر گذار است که نقش مهمی در آسیب شناسی روانی و رشد کودکان بازی می کند. بحث در مورد هر یک از مشکلات فرزندان بدون در نظر گرفتن نگرشها، رفتارها و شیوه های فرزند پروری تقریباً غیر ممکن است. هر چند روانشناسان و نظریه پردازان بر نقش والدین و شیوه های فرزند پروری تاکید می کنند، تحقیقات خیلی کمی در مورد شیوه های فرزند پروری آسیب شناسی روانی کودک به عمل آمده است (علیزاده و آندرایس؛ به نقل از حسینی نسب، احمدیان، روانبخش، ۱۳۸۳).

با توجه به اهمیت مطالب ذکر شده، اضطراب یکی از عوامل تأثیرگذار بر عملکرد ریاضی می باشد و از طرفی دیگر شیوه های فرزندپروری و جهت گیری هدف نیز بر اضطراب تأثیر گذار است، بنابراین تحقیق حاضر سعی دارد رابطه سبک های فرزندپروری و جهت گیری هدف را با اضطراب ریاضی مورد بررسی قرار دهد.

۱-۲- بیان مسئله

در متون روانشناسی اضطراب با معانی گوناگون به کار رفته است. اضطراب مفهوم جدیدی نیست حتی در آثار مصریان باستان نیز از آن سخن رفته است و واژه *Anxiety* مشتق از کلمه لاتین انکسیوس *Anxios* است که در دهه بیستم به معنی حالت بی قراری و پریشانی به کار رفته است. به طور کلی اضطراب بیانگر حالت هیجانی نامطلوبی است که محصول فشار و کشمکش های روانی افراد می باشد و مشخصه بارز آن ترس و بیم از وقوع حوادث آینده است. چنانچه این ترس و تشویش مبهم و پراکنده بوده، و وابسته به

¹ -Grolnick

چیز معینی نباشد و یا به صورت افراطی در آید آن را اضطراب نوروتیک گویند (استات^۱، ۱۹۹۰).

اضطراب که نوعی احساس ترس و ناراحتی بی دلیل است، نشانه بسیاری از اختلالات روانشناسی محسوب می شود که اغلب به وسیله رفتارهای دفاعی مانند فرار از موقعیت ناخوشایند یا انجام یک عمل طبق نظم و آیین معین کاهش می یابد (عشایری، هومن، جمالی فیروز آبادی، وطن خواه، ۱۳۸۸؛ به نقل از محمودی، ۱۳۹۱).

در نسخه چهارم طبقه بندی بیماری های روانی^۲ اضطراب اینگونه تعریف شده است: نگرانی پیشاپیش نسبت به خطرها، بدبختی های آینده توأم با احساس بی لذتی، با نشانه های بدنی تنش و منبع پیش بینی نشده که می تواند درونی یا بیرونی باشد (کاپلان سادوک، ۱۳۷۹).

هر گاه فرد در وضعیتی قرار گیرد که در رویارویی با مشکلات و خطرهای احتمالی از اعمال توانایی های خود نامطمئن باشد، آن گاه او مضطرب قلمداد می شود. یکی از اضطراب های موقعیتی، اضطراب ریاضی است که با عملکرد ریاضی دانش آموزان رابطه تنگاتنگ دارد.

درس ریاضی از جمله دروسی است که عملکرد مناسب در آن برای دانش آموزان و والدین آنها از اهمیت بالایی برخوردار بوده و هست. ریاضیات یکی از مهارت های فردی بسیار اساسی در تداوم زندگی روزمره در جوامع مدرن است (اردن و اگگیو^۳، ۲۰۱۰). دانش آموزان و افراد عادی غالباً برای یادگیری ریاضیات داشتن توانایی های ذهنی خاصی (عامل شناختی) را لازم می دانند و کمتر به عوامل غیر شناختی توجه می کنند، در حالی که تبیین بهتر یادگیری ریاضیات نیازمند مطالعه عوامل عاطفی و هیجانی موثر بر آن نیز هست (زن، براون، ایوانس، هانولا^۴، ۲۰۰۶). برای نمونه سوئین و ادوارز ادعا کرده اند که بیش از نیمی از واریانس پیشرفت تحصیلی در ریاضیات می تواند از رهگذر متغیرهایی به جز توانایی های ذهنی (هوش) و به ویژه متغیرهای عاطفی تبیین شود. بر این اساس،

¹-Statt

²-Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders

³-Erdn & Akgul

⁴-Zan, Brown, Evans & Hannula

روشن است که در ریشه یابی افت تحصیلی و پیشرفت ریاضی، باید افزون بر عوامل شناختی، عوامل عاطفی موثر بر آن نیز در نظر گرفته شود. از مهم ترین این عوامل عاطفی، اضطراب ریاضی است (علم الهدایی، ۱۳۷۹). اضطراب ریاضی برای اولین بار در سال ۱۹۷۵ توسط در گر و ایکن^۱ به عنوان یک اصطلاح جدید برای توصیف دشواری نگرش دانش آموزان در رابطه با ریاضیات معرفی شد (ترابی، محمدی فر، خسروی، شایان، محمدجانی، ۱۳۹۰). پژوهشگران دریافته اند که اضطراب ریاضی از دبستان آغاز می شود و در طول تحصیل دانش آموز ادامه دارد (لیونگ و کوهن^۲ ۲۰۰۴). اضطراب ریاضی به عنوان یک حالت ناراحتی در زمانی که دانش آموز می خواهد تکالیف ریاضیاتش را انجام دهد پدید می آید (محامد و طرمیزی^۳، ۲۰۱۰).

برخی محققان اضطراب ریاضی را احساس تنشی که در کار با اعداد و حل مسائل ریاضی در تحصیل یا در زندگی روزمره ایجاد مزاحمت می کند، تعریف می کنند و بر این اعتقاد هستند که این پدیده ربطی به سن و نژاد ندارد و میتواند در خانه، در کلاس درس و یا دیگر موقعیت های اجتماعی بروز کند (سوسا^۴، ۲۰۰۸). اضطراب ریاضی می تواند نوعی نگرش نسبت به ریاضی و تا حدود زیادی یک امر درونی نیز به حساب آید (ارم^۵، ۲۰۱۰). این نگرش ها با اجبار اجتماعی در ارتباط هستند و می توان آنها را پیش بینی کرد. دانش آموزان با نگرش مثبت نسبت به ریاضیات، دستاوردهای بیشتری در یادگیری آن دارند تا دانش آموزانی که نگرش ضعیف تری نسبت به ریاضی دارند (سینگ، گرانول، و دیکا^۶، ۲۰۰۲). نگرش منفی نسبت به ریاضی و اضطراب ریاضی اغلب با نگرانی و اشتغالات ذهنی به افکار نامربوط، تنش روانی، ناآرامی، دلهره و واکنشهای نامطلوب فیزیولوژیکی همراه است که در نهایت جریان تفکر فرد را با اختلال روبرو می سازد.

¹-Dreger & Ikon

²-Leung & Cohen

³-Mohamed & Tarmizi

⁴-Sausa

⁵-Arem

⁶-Singh, Granville & Dika

اضطراب ریاضی به حالت پاسخ های ناسالمی اشاره می کند که دانش آموزان وقتی با مشکلات و مسائل ریاضی روبرو می شوند، خودشان را به صورت سر در گم، افسرده، و عصبانی نشان می دهند. این واکنشهای روانشناسی با علائمی مانند محکم نگه داشتن مشت، مریض شدن، خشک شدن لبها، حالت تهوع، و تعریق کف دست کامل می شود (لو، وانگ، و لو^۱؛ ۲۰۰۹).

توجه به این نکته مهم است که اضطراب ریاضی بسیار فراتر از عدم علاقه به ریاضیات است (وینسون^۲، ۲۰۰۱؛ به نقل از آقاجانی، خرمايي، رجبی و رستم اوغلی، ۱۳۹۰). چرا که این اضطراب موضوع پیچیده ای است که پاسخ های عاطفی، رفتاری و شناختی فرد را تحت تاثیر قرار داده و تهدیدی برای حرمت خود فرد در موقعیت های مربوط به ریاضیات است (محامد و طرمیزی ۲۰۱۰).

یکی از عوامل موثر بر اضطراب ریاضی دانش آموزان عوامل انگیزشی و عاطفی می باشد و در میان عوامل انگیزشی، نقش جهت گیری هدف بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. جهت گیری اهداف، اهداف و معانی هستند که شخص برای رفتار پیشرفت خود در نظر می گیرد (ریان و پینتریچ^۳، ۱۹۹۷). جهت گیری هدف را نباید با اهداف ویژه ای که در موقعیت های آموزشی برای فعالیت ها در نظر می گیرند، یکی دانست این گونه اهداف صرفاً محرک فرد، برای یادگیری یک تکلیف ویژه هستند. از سوی دیگر بر خلاف اهداف آموزشی که مبنای تشابهات فردی است، جهت گیری هدف مبنای تفاوت های فردی در موقعیت های تحصیلی است و بر اساس آنها می توان میزان موفقیت فرد را در این گونه موقعیت ها پیش بینی کرد. جهت گیری هدف تنها شامل نیات و دلایل فرد برای موفقیت و پیشرفت نیست، بلکه منعکس کننده نوع معیارهایی است که افراد بر مبنای آنها در مورد عملکرد خود به قضاوت می پردازند (پینتریچ، ۲۰۰۰).

در تفکیک جهت گیری، ابتدا پژوهشگران فقط بر دو جهت گیری تبحری^۴ و عملکردی تاکید می کردند (دووک، ۲۰۰۰). ولی شواهد و نظریه های جدیدتر سه جهت گیری هدفی

¹ -Luo, Wang & Luo

² -Vinson

³ -Ryan & Pintrich

⁴ -mastery goal orientation

و یا حتی چهار جهت گیری هدفی تبحری-رویکردی، تبحری-اجتنابی، عملکردی^۱-رویکردی و عملکردی-اجتنابی را پیشنهاد می کنند(الیوت، فونسکا و مولر^۲، ۲۰۰۶). در آخرین تقسیم بندی نیز که توسط الیوت و الیوت و مک گریگور صورت گرفت، الگوی چهارگانه جهت گیری هدف تسلط-گرایش^۳، تسلط-اجتناب^۴، عملکرد-گرایش و عملکرد-اجتناب بوجود آمد(مشتاقی، ۱۳۹۰).

در اهداف تسلط-گرایش، فرد به دنبال بهبود شایستگی های خود در تکالیف است. آنان به یادگیری برای خود یادگیری علاقه دارند و خود را درگیر تکالیف چالش برانگیز می کنند(الیوت و تراش^۵، ۲۰۰۱؛ کاپلان، مارتینو ماهر، ۲۰۰۷).

در اهداف تسلط-اجتناب، شایستگی به صورت تسلط کامل به تکالیف تعریف می شود و تمام تلاش افراد برای دوری گزیدن از خطا و اشتباه معطوف است. ترس از نفهمیدن مطالب، شکست در یادگیری و فراموشی از ویژگی های این نوع جهت گیری است(الیوت، ۱۹۹۹؛ پیترچ، ۲۰۰۰؛ الیوت و مک گریگور^۶، ۲۰۰۱).

در جهت گیری هدف عملکرد-گرایش، بر تایید عملکرد و کسب قضاوت مطلوب دیگران درباره عملکردهای شخصی تاکید دارد. محوریت این جهت گیری بر کسب قضاوت مثبت دیگران و توجه به مقایسه های اجتماعی(بهرتر از دیگران بودن) قرار دارد(کاپلان و میدلتون^۷، ۲۰۰۲).

در جهت گیری عملکرد-اجتناب، شایستگی به معنای اجتناب از شکست است و هسته اصلی، توجه به مقایسه های اجتماعی است، لیکن تاکید بر گریز از حقارت و نگرسته شدن به عنوان فردی کند آموز محوریت این جهت گیری هدف است(الیوت، ۱۹۹۹).

در پی درک و تاثیر محیط بر یادگیری، در سالهای اخیر مطالعه تعامل خانواده و عوامل موجود در آن بر انگیزش، یادگیری و پیشرفت تحصیلی فرزندان افزایش یافته است(گونديا

¹ -Performance goal orientation

² -Elliot, Fonseca & Moller

³ -approach-mastery goal orientation

⁴ -avoidance-mastery goal orientation

⁵ -Elliot & Thrash

⁶ -Elliot & McGregor

⁷ -Kaplan & Middelton

و اردن^۱، ۲۰۰۶). بیشترین تحقیقات انجام شده در این زمینه بر موضوع سبک های فرزندپروری والدین و مشارکت والدین متمرکز است (گوندیا، کیسوگلو و ولالا^۲، ۲۰۰۷). سبکهای فرزندپروری مجموعه ای از نگرش های والدین نسبت به کودک است که منجر به ایجاد جو هیجانی می شود که در آن جو، رفتارهای والدین بروز می کند. در واقع فرزندپروری فعالیتی پیچیده و در بر گیرنده رفتار های خاصی است که کودک را تحت تاثیر قرار می دهد (دارلینگ و استینبرگ، ۱۹۹۳؛ به نقل از اسلمی، ۱۳۸۵).

مطالعه رابطه سبک های فرزندپروری با مریند و هدف گرایی، بر رابطه مثبت و معنا دار سبک فرزندپروری مقتدر با هدف گرایی تسلط و رابطه مثبت و معنادار سبک های فرزندپروری سلطه جو و سهل گیر با اهداف رویکردی و عملکرد اجتنابی تاکید دارند (گانزالز، گرین وود و هسو^۳، ۲۰۰۱؛ چان و چان^۴، ۲۰۰۴؛ گانزالز و ولترز^۵، ۲۰۰۶). در زمینه مشارکت والدین در امور فرزندان، نتایج مطالعه گنزالز، هولین و گویلتر (۲۰۰۲) نشان داد که مشارکت والدین با اهداف تسلط، رابطه قوی نشان دادند؛ مشارکت خانواده در فعالیت های تحصیلی فرزندان منجر به چالش طلبی و استمرار بیشتر در انجام تکالیف در آنان می شود. همین نتایج در تحقیقات گنزالز و ولترز (۲۰۰۶) نیز مورد تایید قرار گرفت.

دارلینگ و استینبرگ (۱۹۹۳؛ به نقل از صادقی، مظاهری و حیدری، ۱۳۸۴) نشان دادند که سبک های والدینی ساختارهایی هستند که ماهیت روابط والد-کودک را منعکس می کنند. این محققین روشهای تربیتی را ساختار های ارتباطی تعریف کردند که کیفیت روابط خاص بین والدین و کودک را توصیف می کنند و معتقد بودند که شیوه های فرزندپروری تاثیرات مهمی بر رشد کودک دارند. از سوی دیگر لیدون، برادفورد و نلسون^۶ (۱۹۹۳؛ به نقل از حیدری، دهقانی، خداپناهی، ۱۳۸۷) نشان داده اند چگونگی تعامل کودک و والدین بر روی عملکرد رفتاری و هیجانی نوجوانان تاثیر دارد. عدم پذیرش از سوی والدین می تواند بر عزت نفس تاثیر داشته باشد و از این طریق موجب خلق افسرده شود. مشکل در

¹-Gondia & Urdan

²-Gondia, Kiosseoglou & Voulala

³-Gonzalez, Greenwood & Huso

⁴-Chan & Chan

⁵-Wolters

⁶-Lyddon, Bradford & Nelson

تعامل والد-فرزندی نه تنها می تواند موجب ایجاد مشکلاتی هیجانی از قبیل افسردگی شود، بلکه ممکن است موجب پاسخ های ناسازگارانه نیز گردد (پاترسون و کاپلادی^۱، ۱۹۹۰).

فلچر، استینبرگ و ویلمز-ویلر (۲۰۰۴) در پژوهش خود نشان دادند که گرمی و مراقب بودن والدین با کاهش مشکلات رفتاری در نوجوانی ارتباط دارد و موفقیت کودکان در این خانواده ها بیشتر است. پژوهش ها نشان داده اند که سبک فرزندپروری مقتدرانه واجد پیام های رفتاری سازگارانه تر در کودکان می شود (انولا، استاتین و نرمی^۲، ۲۰۰۰).

نوع شیوه های فرزند پروری والدین انواع پیامدهای مثبت و منفی برای نوجوانان به بار می آورد که در سلامت روانی نوجوانان موثر است. جو خانوادگی گرم و پذیرنده، همچون سپری در مقابل آسیب های روانی از قبیل اضطراب و افسردگی از فرد محافظت می کنند و از طرفی جو نامطلوب خانوادگی و روابط سرگوبگرانه با خودپنداره منفی و کاهش حرمت خود و افزایش اضطراب و بروز مشکلات رفتاری رابطه دارد (حسین چری، دلاور پور، دهقانی، ۲۰۰۷).

زندگی خانوادگی نقش اساسی در حفظ سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی کودکان و والدین دارد. شواهد زیادی به طور آشکار در مورد والدینی که کودکان خود را طرد می کنند و باعث اضطراب و نگرانی آنها می شوند گزارش شده است (براون و وایت ساید^۳، ۲۰۰۸). اکثر مشکلات فکری اضطرابی کودکان منعکس کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده به ویژه والدین می باشد. نتایج مطالعات و پژوهش ها نشان می دهند انواع اختلالات روانی از جمله اضطراب رو به افزایش است و روش های کنترل والدینی نیز در بروز آن نقش دارند (فرمونت^۴، ۲۰۰۳). همچنین نظریه های تکاملی اضطراب بیان کننده آن است که پذیرش کودکان توسط والدین، نوع کنترل و رفتارها و شیوه های تربیتی آنها با بروز علائم اضطراب در کودکان ارتباط دارد (وود، مککلود، زیگمن، وانگ، چو^۵، ۲۰۰۳).

¹ -Patterson & Capaldi

² -Aunola, Statin & Nurmi

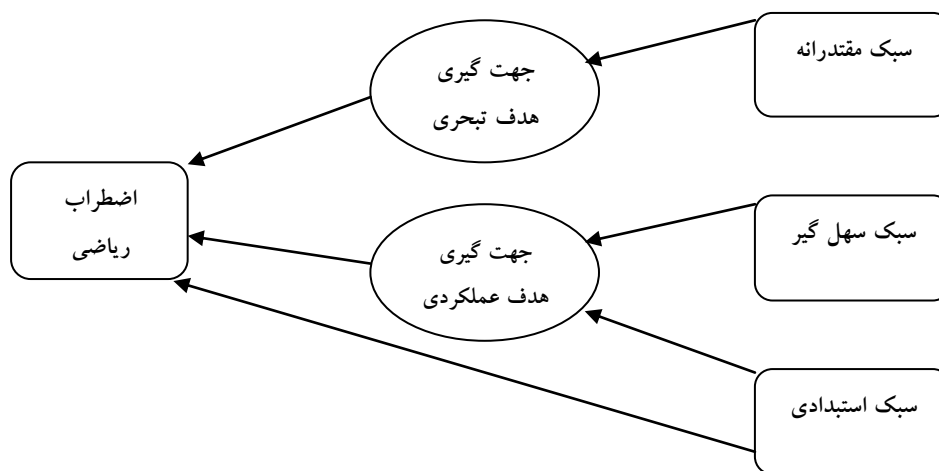
³ -Brown & White side

⁴ -Fremont

⁵ -Wood, Mcleod, Sigman, Hwang & Chu

با توجه به مطالب ذکر شده و اهمیت بررسی عوامل تاثیر گذار بر اضطراب ریاضی، مطالعه حاضر در پی پاسخ به این سوال است که اثرات مستقیم و غیر مستقیم سبکهای فرزندپروری و جهت گیری هدف بر اضطراب ریاضی چگونه است؟ و آیا جهت گیری هدف می تواند اثر میانجی بین سبکهای فرزندپروری و اضطراب ریاضی داشته باشند؟

براساس مطالب ذکر شده مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی وجود روابط میان سبکهای فرزندپروری و اضطراب ریاضی به واسطه جهت گیری هدف در قالب یک الگو می باشد. برای نیل به این هدف و به منظور پیش بینی احتمال وجود رابطه بین متغیرهای مذکور و پیشینه پژوهشی الگویی طراحی شد که تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای پژوهش بر اضطراب ریاضی را مورد بررسی قرار می دهد.



شکل ۱-۱- مدل مفهومی پژوهش

۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

امروزه تمام برنامه های مواد درسی در هر مقطع تحصیلی شامل حداقل چند ساعت آموزش ریاضی است. در جهان امروز، صاحب نظران آموزش ریاضی معتقدند که فراگیری دانش ریاضی می تواند به تفکر خلاق و اندیشه پویا کمک کند (شونفلد^۱، ۱۹۸۹؛ به نقل از شمس، تابع، بردبار، ۱۳۹۰)

¹ -Schloenfeld